

روانی، کمپلکس‌ها و پیچیدگی‌های شخصی خودش می‌شود و این عشق، یک عشق واقعی نیست.

### و این نشان می‌دهد به نظر می‌آید که جزئیات خیلی برای شما مهم است.

بله؛ در پروسه فیلمنامه جزئیات برای من بسیار مهم است، در واقع زندگی و جزئیات زندگی همیشه در فیلم‌هایم خیلی مهم بوده است و خیلی روی این قضیه کار می‌کنم. شخصیت‌های مختلف زنی که در فیلمنامه هست که همه قوی و مهم هستند از مردهای فیلم قوی‌ترند و دقیقا میدانند چه می‌خواهند و این شخصیت‌های که طراحی می‌کنم همه حتی با وجود کوتاهی بسیار عمیق و تاثیرگذار هستند.

### نقدی که به فیلم «آتابای» می‌شود

پایان آن است و تکلیفی که می‌شد روشن شود اما در ابهام ماند. برخلاف سال‌های قبل حالا دیگر روند پایان‌بندی در سینمای جهان پایان‌های مشخص و بسته است؛ چند بار در دهنتان این پایان‌بندی را تغییر دادید تا به این برسید و اگر دوباره بسازید باز همین پایان را انتخاب می‌کنید؟

از ابتدا همین پایان‌بندی در ذهنم بود. همان‌طور که گفتم هر فیلمی حرف و فرم خودش را دارد ولی به نظر من شخصیت آتابای شخصیتی است که تا زمان مرگش همین حالت را دارد. یعنی از اول و همیشه در یک برزخی از زندگی خودش دست‌وپا زده چون هیچ‌وقت آدمی نیست که بتواند در دست تصمیم بگیرد و یا به موقع‌اش یک کار درستی را انجام دهد. آدم‌ها برزخ و جهنم زندگی خودشان را خودشان می‌سازند و آتابای از این دست است. این تصمیم من بود که در پایان در همان برزخ بماند.

سینمای ما از نگاه بین‌الملل با چند سینماگر خاص معرفی می‌شود که قطعا یکی از آن‌ها عباس کیارستمی است؛ شما در حضور و داوری‌هایتان با چه واکنشی درباره‌ی سینمای ایران مواجه می‌شوید؟

به نظر من در طی سال‌های گذشته فیلم‌سازان و سینماگران بین‌المللی زیادی از ایران داشته‌ایم و همه‌ی آن‌ها هم فعالیت‌های مناسبی داشته‌اند و آثارشان هم دیده شده است؛ عباس کیارستمی هم قطعا از هنرمندانی است که فیلم‌هایش زیاد دیده شده است. سوال شما دو بخش است. درباره‌ی حضور

در جشنواره‌ها می‌توانم بگویم به هر حال هر کس در جایگاه کارگردان مشتاق است که نگاه تماشاگران، مخاطبان و بینندگان در کشورهای دیگر را هم همراه خود داشته باشد و این خیلی جذاب است که تماشاکنی اثر در خارج از کشور هم تاثیرگذار است یا نه. هر آدمی دوست دارد فیلمش هم در کشور خودش و هم در کشورهای دیگر اکران شود و این یکی از جذابیت‌های فیلمسازی است.

در باره‌ی میحث داوری هم باید بگویم که سال‌ها به عنوان داور برای جشنواره‌های بین‌المللی مختلف انتخاب شدم که تجربیات جالبی برای من رقم زده است. در پروسه داوری فیلم‌هایی می‌بینید، نظرات مختلفی می‌شنوید و در نهایت گاهی یک اتفاق نظر بین چند داور شکل می‌گیرد. ولی به طور کلی این موضوع برای من در طی این سالها باعث اندوخته شدن تجربیات جذابی از سینمای جهان شده است. هر چند این را هم بگویم، زمان‌هایی پیش آمده که پیشنهاد داوری را رد کنم و حوصله‌اش را نداشته باشم اما اکثرا پذیرفته‌ام چون همانطور که گفتم به چشم تجربه به آن نگاه می‌کنم؛ فرصتی که باعث می‌شود فیلم‌هایی را که جایی اکران نشده‌اند، تماشا کنم.

**شما سعی کردید در چند جنبه فعالیت کنید؛ یعنی بازیگری، فیلمسازی، مستندسازی، ترجمه و... در کدام بیشتر یا خود خودتان مواجه شدید و برای شما یک جور تریایی و آرامش هم به همراه دارد؟**

تقریبا تمام کارهایی که من انجام می‌دهم به هم مربوط است و به نوعی همه را با علاقه انجام می‌دهم. مستندسازی را خیلی وقت است که انجام ندادم، در واقع من اولین فیلمی که ساختم یک مستند بود و بعد از آن دیگر مستند کار نکردم ولی عکاسی و ترجمه می‌کنم.

**صادقانه بخواهید بگویید اقبال مخاطب عام برایتان اولویت بیشتری دارد یا اجرایی شدن همان چیزی که مدنظرتان است و جلب کردن توجه مخاطب صاحب‌فکر؟**

فکر کنم از فیلمی که ساخته‌ام مشخص است. آتابای شخصی و بسیار دلی است اما قطعا کسی هم هست که این دنیا را دوست داشته باشد با آن ارتباط برقرار کند. طبیعت هر هنری این است که تماشاچی اختصاصی خودش را دارد. یعنی شما الان اگر حتی فیلم‌های پر فروش را هم نگاه کنید، دلیل اینکه می‌روند آنها را می‌بینند چیست؟ چون

آنها تماشاچی اختصاصی آن دسته از فیلم‌ها هستند. بنابراین مثل همه هنرهای دیگر، هر کسی کار خودش را انجام می‌دهد و طبیعتا اگر همه آدم‌ها از یک فیلم خوششان بیاید دیگر این اسمش هنر نیست. همه ما سلیقه‌های مختلفی داریم و هر کسی دارد کار خودش را انجام می‌دهد و اصلا این طبیعت هنر است. فکر می‌کنم که من دیگر بعد از پانزده سال فیلمسازی نوع کارم مشخص است.



نه تنها همیشه درباره‌ی روانشناسی خواننده‌ام بلکه دو، سه سال قبل دوره‌ای دیدم که به واسطه اینها الان تقریبا می‌توانم روانکاوی انجام دهم

**سیستم حاکم یا ستاره‌سازی مخالف است چرا که ستاره‌ها را الگوی مخاطب می‌داند و احساس می‌کند با هر رفتار اشتباه یک سلبریتی توده تحت تاثیر قرار می‌گیرد و این حاکمیت است که باید درباره سلبریتی پاسخ‌گو باشد. شما به عنوان یک بازیگر که صاحب‌اندیشه هستید ستاره و یک آرتیست معروف را الگوی می‌دانید که رفتارش جریان‌ساز است یا او را**

